

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب به آیت‌الله نوری همدانی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به آیت‌الله نوری همدانی درگذشت داماد ایشان را تسلیت گفتند.
متن پیام، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت‌الله العظمی نوری همدانی (دامت برکاته) ارتحال جناب حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی‌تبریزی (رحمه‌الله علیه) را به حضرت‌عالی و خانواده محترم ایشان تسلیت عرض می‌نمایم و بقا و طول عمر باریکرت جناب‌عالی را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

رحمت و غفران الهی را برای آن مرحوم خواستارم.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

۳۱ فروردین ۱۴۰۵ مطابق با ۲۱ ذی‌القعده ۱۴۴۷

منابع

رئیس‌جمهور در پیامی بیان کرد

سپاه؛ نماد برجسته اقتدار ملی

رئیس‌جمهور در پیامی به مناسبت سالروز تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با مرور کارنامه سپاه از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون، بر نقش مؤثر این نهاد در دوران دفاع مقدس و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی تأکید کرد
دکتر مسعود پزشکیان در پیامی به مناسبت روز پاسدار با اشاره به کارنامه پرافتخار سپاه همگام با ارتش سرافراز و نیروهای بسیج مردمی، در دوران هشت سال دفاع مقدس و در مواجهه با انواع فتنه‌ها و تهدیدات داخلی و خارجی، نوشت: در جنگ‌های تحمیلی اخیر آمریکایی و صهیونیستی، این نهاد انقلابی با واکنشی قاطع، هوشمندانه و ظفرمندانه، طوطه‌ها و اهداف شوم دشمنان را ناکام ساخت. این حماسه ماندگار، جلوه‌ای روشن از اقتدار دفاعی جمهوری اسلامی و برتری اراده ملت بزرگ ایران در برابر زاده خواهی‌ها و سلطه‌طلبی هاست.
در ادامه این بیانیه رئیس‌جمهور افزود: امروز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با تکیه بر این سرمایه عظیم معنوی و مردمی، نماد برجسته اقتدار ملی و سپر دفاعی پولادین میهن اسلامی در برابر تهدیدات و دشمنی‌هاست و در پرتو تدابیر رهبری و با اتکا به روحیه خودباوری و خودکفایی، مسیر تعالی، بالندگی و تقویت بنیه دفاعی کشور با هر غمی راسخ‌تر از گذشته ادامه می‌دهد.

رئیس قوه قضاییه:

سوءاستفاده علیه سفره مردم خط قرمز ماست

رئیس قوه قضاییه در جمع تعدادی از مقامات عالی قوه قضاییه و روسای دادگستری استان‌ها، با اشاره به اهمیت حمایت از معیشت مردم با توجه به جنگ تحمیل شده به کشور، اظهار کرد: قوه قضاییه همان‌گونه که استمرار برخورد قاطع و قانونی با خائنین و همکاران دشمن غدار و مکار را بخشی از آرایش جنگی خود و متناسب با شرایط و ضرورت‌های کشور می‌داند، نظارت دائمی بر وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم عزیز و قهرمان ایران را هم وظیفه مهم خود قلمداد می‌کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای با تأکید بر اهمیت مراقبت از پشت جبهه، تصریح کرد: یکی از اهداف ثابت دشمن، ضربه زدن به اقتصاد کشور برای از بین بردن پایداری و تاب‌آوری مردم است که تاکنون در این زمینه هم مانند عرصه‌های دیگر جبهه نبرد شکست خورده است؛ از همین رو، بار دیگر خطاب به تمامی مسئولان ذی‌ربط قضایی در سراسر کشور مؤکدا تأکید می‌کنم که هم از حیث تکالیف مستقیم خود و هم از حیث مساعدت به دولت، به مقولات مرتبط با معیشت مردم و کنترل بازار، ورود جدی داشته باشند.

رئیس دستگاه قضا افزود: قطعا به هیچ‌وجه قابل قبول نخواهد بود که کسانی بخواهند با هدف انتفاع مادی، از شرایط موجود، بر علیه معیشت مردم سوءاستفاده کنند؛ بدون تردید و به‌طور قطع، وفق قانون و در نهایت قاطعیت، با عناصر محترک و گران فروش، به‌ویژه در حوزه کالاهای اساسی و مایحتاج مردم، برخورد خواهد شد.

رئیس عدلیه تصریح کرد: محترکان و گرانفروشان کالاهای اساسی منتظر برخورد قاطع و بدون مماشات عدلیه باشند. سوءاستفاده از شرایط موجود کشور علیه سفره مردم، خط قرمز ماست.

در فضای پرتنش پس از جنگ ۴۰ روزه و شکست آمریکا در دستیابی به اهداف خود در حمله به ایران، آتش‌بس دو هفته‌ای با درخواست دولت آمریکا و میانجیگری پاکستان برقرار شد. این آتش‌بس که از روز گذشته آخرین روز خود را پشت سر می‌گذاشت با تصمیم ناگهانی و یک‌جانبه دونالد ترامپ برای تمدید آن، معانی بسیاری برای کارشناسان و ناظران جهانی داشت. اقدام آمریکا بیش از آن‌که نشانه‌ای از مدیریت بحران باشد، حامل یک پیام روشن راهبردی است؛ آمریکا تمایل و شاید تواناییی برای بازگشت به جنگ را ندارد و به‌شدت نگران است که مانند نبرد ۴۰ روزه منجر به رسوایی برای او شود. این تصمیم که بدون توافق دو جانبه و در قالب یک اعلام یک طرفه صورت گرفت، عملا معنایی جز عقب‌نشینی در برابر واقعیت‌های میدان ندارد؛ واقعیت‌هایی که در دو هفته گذشته به‌وضوح خود را به واشنگتن تحمیل کرده است.

آتش‌بس یک طرفه؛ اعتراف به ریسک بالای جنگ با ایران

تمدید یک جانبه آتش‌بس را باید در چارچوب ارزیابی جدید آمریکا از هزینه‌های جنگ تحلیل کرد. برخلاف محاسبات اولیه، بازگشت به درگیری نه‌تنها مژتی برای واشنگتن ندارد، بلکه می‌تواند موقعیت ایران را تقویت کند. تهران در صورت آغاز دوباره جنگ، با مجموعه‌ای از ابزارهای تازه و تجربه میدانی به‌روز، وارد صحنه خواهد شد؛ وضعیتی که می‌تواند موازنه را بیش از پیش به ضرر آمریکا تغییر دهد. در چنین شرایطی، کاخ سفید با یک دوگانه دشوار مواجه است: یا ورود به جنگی پرهزینه با چشم‌اندازی نامعلوم، یا پذیرش یک آتش‌بس شکننده که به‌معنای از دست دادن ابتکار عمل است. انتخاب گزینه دوم، هرچند در ظاهر یک تاکتیک موقت جلوه می‌کند اما در واقع نشانه‌ای از درک عمیق تر واشنگتن از محدودیت‌های قدرت خود در برابر ایران است.

تنگه هرمز؛ از گلوگاه انرژی تا هرم فشار راهبردی ایران

همزمان با این تحولات سیاسی، میدان نیز بی پاسخ نمانده و پاسخ کارزار به اصطلاح محاصره دریایی ایران را به چالش کشیده است. توقیف دو کشتی متخلف «MSC–FRANCESCA» و «EPAMINODES» توسط نیروی دریایی سپاه، که روز گذشته انجام شد نمایش عملی از اراده ایران برای کنترل و مدیریت یکی از مهم‌ترین آبراه‌های جهان بود.

این اقدام در شرایطی صورت گرفت که این شناورها با دستکاری سامانه‌های ناوبری، امنیت تردد در تنگه هرمز را به خطر انداخته بودند. واکنش سریع و قاطع ایران، بار دیگر این پیام را تثبیت کرد که امنیت این گذرگاه راهبردی، خط قرمزی غیرقابل مذاکره است. انتقال این کشتی‌ها به آب‌های سرزمینی برای بررسی دقیق‌تر، نشان‌دهنده آن است که تهران نه‌تنها در

ایران با قدرت نمایی در تنگه هرمز و توقیف کشتی‌های وابسته به دشمن، ابتکار عمل خود را به رخ کشید

پاتک به محاصره



همان مسیر گذشته است اما در واقع با یک تفاوت بنیادین همراه است؛ این بار واشنگتن از یک تقابل نظامی ناموفق خارج شده است. این مسأله به‌طور مستقیم بر اعتبار ابزارهای فشار آن تأثیر گذاشته است.

در گذشته، تحریم‌ها یا پشتوانه تهدید نظامی معنایدامی کردند اما اکنون که گزینه نظامی عملا کارایی خود را از دست داده، فشار اقتصادی نیز بخشی از انگرذاری خود را از دست می‌دهد. به بیان دیگر، «سایه جنگ» که زمانی مکمل تحریم‌ها بود، دیگر آن وزن سابق را ندارد.

یکی از مهم‌ترین تحولات این دوره، تغییر جایگاه ایران در معادله تحریم است. اگر در دوره‌های گذشته، تهران عمدتا در موقعیت دریافت‌کننده فشار قرار داشت، اکنون به یک بازیگر فعال در اعمال فشار تبدیل شده است.

تنگه هرمز به‌عنوان یک اهرم ژئوپلیتیکی، این امکان را فراهم کرده که ایران در صورت تشدید فشارها، واکنش‌هایی با اثرات اقتصادی گسترده نشان دهد. این تغییر، ماهیت تحریم را از یک

سطح هشدار، بلکه در سطح اقدام نیز آماده اعمال حاکمیت کامل خود است و محاصره دریایی ترامپ را نمی‌پذیرد.

هشدار نظامی صریح؛ دست بر ماشه، آماده پاسخ

در کنار اقدامات میدانی، لحن رسمی مقامات نظامی نیز به‌طرز محسوسی صریح‌تر شده است. سخنگوی قراقرگاه مرکزی خاتم‌الانبیا با اشاره به تهدیدهای مکرر آمریکا، از آمادگی صادرصدی نیروهای مسلح برای پاسخ فوری و هدفمند خبر داده است. تجربه جنگ اخیر نشان داد که ایران توانایی اجرای ضربات دقیق و مؤثر علیه اهداف از پیش تعیین شده را دارد. از این منظر، هشدارهای جدید را باید ادامه همان دکترین بازدارندگی فعال دانست؛ دکترینی که بر پایه «پاسخ سریع، قاطع و متناسب» بنا شده است.

فشار اقتصادی پس از شکست نظامی؛ ابزارهای از کار افتاده

بازگشت آمریکابه سیاست فشار اقتصادی، اگرچه در ظاهر ادامه

کالاهای ضروری حفظ شود. در کنار این اقدامات، نظارت بر فرآیند توزیع نیز به‌صورت ویژه تقویت شد تا از بروز اختلال یا رفتارهای سوداگرانه جلوگیری شود. شبکه‌های توزیع—از فروشگاه‌های زنجیره‌ای تا واحدهای محلی—به‌گونه‌ای مدیریت شدند که جریان عرضه پایدار بماند و نیازهای روزمره مردم بدون ایجاد صف یا کمبود گسترده تأمین شود. این رویکرد موجب شد که علی‌رغم فشارهای ناشی از شرایط جنگی، زندگی عادی مردم تا حد زیادی تداوم پیدا کند و نگرانی‌ها به سطحی قابل مدیریت محدود بماند. مهم‌ترین دستاورد این مجموعه اقدامات را باید در حفظ آرامش نسبی جامعه و تداوم دسترسی عمومی به کالاهای اساسی جست‌وجو کرد. در شرایطی که تجربه‌های مشابه در بسیاری از کشورها با اختلالات گسترده در تأمین همراه بوده، کشور ما توانست از این مرحله عبور کند، بدون آن‌که با بحران فرایگر در حوزه کالاهای ضروری مواجه شود. این موضوع، نشان‌دهنده کارآمدی سازوکارهایی است که پیش از بحران طراحی شده و در زمان نیاز به‌درستی به کار گرفته شدند. در همین چارچوب، نتایج نظرسنجی‌های انجام‌شده پس از پایان جنگ نیز حاکی

یادداشت

داود منظور | رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه

چگونه یک شخصیت به یک نظام زنده و پویا تبدیل می‌شود

این یادداشت در پی آن است که یکی از مهم‌ترین ابعاد پیام رهبر انقلاب را واکاوی کند؛ بعدی که در آن تصویر رهبر شهید صرفا در قالب یک شخصیت فردی باقی‌ماند بلکه به یک منظومه فکری، نهادی و اجتماعی ارتقا می‌یابد. هدف این تحلیل، تبیین این نکته است که چگونه پیام رهبر انقلاب با بازنامی ویژگی‌ها و کارکردهای رهبر شهید تلاش می‌کند از یک سو خلأ ناشی از فقدان را مدیریت کند و از سوی دیگر، میراث او را به‌عنوان یک ساختار زنده و تداوم‌پذیر تثبیت نماید. در پیام رهبر انقلاب، توصیف رهبر شهید با مجموعه‌ای از صفات آغاز می‌شود: «فقیهی زمان شناس و بصیر، مجاهدی خستگی‌ناپذیر…عالمی عامل و ربانی». این توصیف‌ها صرفا بیان ویژگی‌های فردی نیستند بلکه نوعی الگوسازی محسوب می‌شوند. درواقع پیام رهبر انقلاب از طریق این صفات، یک معیار از رهبری مطلوب ارائه می‌دهد؛ معیاری که در آن، علم، مجاهدت، بصیرت و معنویت در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. اما اهمیت این بخش از پیام رهبر انقلاب، تنها در توصیف ویژگی‌ها خلاصه نمی‌شود بلکه در برجسته‌سازی کارکردها و هنرهای رهبر شهید است.

آنچه‌گفته می‌شود«هنر تربیت و پرورش اجتماع» «نهادسازی‌های هدفمند» و «قدرتمندسازی ساختار نظامی کشور» نشان می‌دهد رهبر شهید صرفا یک شخصیت الهام بخش نبوده بلکه یک معمار ساختارها و سازوکارها نیز بوده است. این تأکید، پیام مهمی را منتقل می‌کند: آنچه امروز وجود دارد، حاصل یک فرآیند طراحی و ساخت است، نه یک وضعیت اتفاقی. در همین چارچوب، پیام رهبر انقلاب به «قدرت ابداع و ابتکار» و «خلق گفتمان» نیز اشاره می‌کند. این نکته نشان می‌دهد که رهبری در این روایت، فقط به مدیریت اجرایی محدود نیست بلکه شامل توانایی شکل‌دهی به معنا، زبان و جهت‌گیری‌های کلان جامعه نیز می‌شود. به بیان دیگر، رهبر شهید نه‌تنها نهادها را ساخته،

ابزار یک‌سویه به یک میدان تقابل دوطرفه تبدیل کرده است؛ میدانی که در آن، هر اقدام می‌تواند با یک واکنش متقابل همراه باشد.

چرا ترامپ از بازگشت به میدان می‌ترسد؟

عدم ورود مجدد آمریکابه جنگ آن هم پس از عدم موافقت ایران برای بازگشت به مذاکرات اسلام‌آباد به‌دلیل نقض عهدهای مکرر دشمن نشان‌دهنده سطح بالای نگرانی در واشنگتن است. این تصمیم را می‌توان «دومین فرار» از مواجهه مستقیم با ایران دانست؛ فراری که ریشه در تجربه عملی میدان دارد.

در جریان درگیری اخیر، بسیاری از ابزارهای پیشرفته نظامی آمریکا نتوانستند برتری تعیین‌کننده‌ای ایجاد کنند. در مقابل، ایران با بهره‌گیری از توانمندی‌های بومی خود، ضرباتی وارد کرد که نه‌تنها پرهزینه، بلکه در برخی موارد غیرقابل جبران ارزیابی می‌شود.

محاصره دریایی؛ خطای محاسباتی یا نمایش رسانه‌ای؟

در کنار فشارهای اقتصادی، آمریکا تلاش کرده با برجسته‌سازی محاصره دریایی، یک تصویر جدید از فشار بر ایران ارائه دهد اما این رویکرد با چند چالش جدی مواجه است؛ نخست، گستردگی مرزهای زمینی و دریایی ایران، امکان اعمال یک محاصره مؤثر را به‌شدت محدود می‌کند. دوم، تجربه چند دهه‌ای ایران در مواجهه با تحریم‌های پیچیده اقتصادی موجب شده که ساختارهای جایگزین برای تأمین نیازها شکل بگیرد. مهم‌تر از همه، مقایسه ایران با کشورهایی مانند ونزوئلا، نشان دهنده یک خطای راهبردی در تحلیل شرایط است. ایران نه‌تنها از نظر ژئوپلیتیکی در موقعیت متفاوتی قرار دارد، بلکه از نظر ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای نیز قابل قیاس با چنین نمونه‌هایی نیست.

تغییر موازنه به نفع تهران

تحولات اخیر نشان‌دهنده یک تغییر تدریجی اما معنادار در موازنه قدرت است. تمدید یک‌جانبه آتش‌بس از سوی آمریکا، اقدام‌های میدانی ایران در تنگه هرمز و تأکید بر خطوط قرمز در حوزه‌های راهبردی، همگی اجزای یک تصویر بزرگ‌تر هستند؛ تصویری از کشوری که نه‌تنها در برابر فشارها ایستاده، بلکه در حال بازتعریف قواعد بازی است.

در این چارچوب، جنگ دیگر ابزار مؤثری برای آمریکا نیست و مذاکره نیز بدون پذیرش واقعیت‌های جدید، به نتیجه نخواهد رسید. تهران نشان داده که هم در میدان و هم پشت میز، با دست پرتزی ظاهر می‌شود و این همان تغییری است که معادلات آینده را شکل خواهد داد.

میان ظرفیت‌های مختلف کشور است. با این حال، دولت این تجربه را صرفا به‌عنوان یک مقطع گذرا تلقی نمی‌کند، بلکه آن را مبنایی برای تقویت سیاست‌های آینده می‌داند. در جمع‌بندی این ۴۰ روز، توجه به مقوله «تاب‌آوری» به‌عنوان یک راهبرد کلان در دستور کار قرار گرفته است. در این مسیر، توسعه و به‌روزرسانی ذخایر راهبردی، تقویت زیرساخت‌های توزیع و افزایش آمادگی دستگاه‌های اجرایی برای مواجهه با شرایط مشابه، از جمله محورهای اصلی برنامه‌ریزی‌هاست. در کنار این موارد، توجه به سرمایه اجتماعی نیز جایگاه ویژه‌ای یافته است. تجربه نشان داد که همراهی مردم، مهم‌ترین پشتوانه مدیریت بحران است و این همراهی، در گرو اعتماد و اطلاع‌رسانی شفاف است. از این رو، دولت تقویت ارتباط با جامعه و ارتقای شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها را به‌عنوان بخشی از راهبرد تقویت تاب‌آوری دنبال خواهد کرد. در نهایت، آنچه از این ۴۰ روز بر جای می‌ماند، صرفا عبور از یک بحران نیست، بلکه تثبیت الگویی از حکمرانی است که در آن، هماهنگی، پیش‌بینی‌پذیری و اتکا به ظرفیت‌های ملی، امکان حفظ ثبات را حتی در دشوارترین شرایط فراهم می‌کند.

بلکه ذهن‌ها و ادراک‌ها را نیز جهت داده است. یکی از کلیدی‌ترین جملات این بخش از پیام رهبر انقلاب آنجاست که تصریح می‌شود: «جمهوری اسلامی بدون مردم از نظر ایشان بی‌معنا می‌نمود». این جمله، پیوند میان رهبری و مردم را به‌عنوان یک اصل بنیادین تثبیت می‌کند. در این نگاه، نظام سیاسی بدون حضور و مشارکت مردم فاقد معنا و کارکرد است. این تأکید در عین حال نوعی پاسخ به نگرانی‌های احتمالی درباره فاصله میان حاکمیت و جامعه نیز محسوب می‌شود. این منظر تحلیل محتوا، این بخش از پیام رهبر انقلاب چند هدف اساسی را دنبال می‌کند. نخست جلوگیری از شکل‌گیری خلأ معنایی پس از فقدان رهبر است. با تبدیل رهبر به یک منظومه از نهادها، گفتمان‌ها و دستاوردها، این پیام منتقل می‌شود که فقدان فرد، به‌معنای فروپاشی مسیر نیست. دوم انتقال میراث به آینده است. ویژگی‌ها و کارکردهای ذکر شده به‌عنوان الگوهایی معرفی می‌شوند که قابلیت تداوم دارند. سوم تقویت اعتماد عمومی است. زیرا تأکید بر استحکام ساختارها، احساس ثبات و استمرار را در جامعه تقویت می‌کند.

در بخش دیگری از پیام رهبر انقلاب، به ابعاد شخصیتی عمیق‌تری نیز اشاره می‌شود؛ از جمله اخلاص، مجاهدت بی‌وقفه و اعتماد به وعده‌های الهی. این عناصر، در کنار ویژگی‌های مدیریتی و راهبردی، یک تصویر کامل از رهبری ارائه می‌دهند که در آن، معنویت و کارآمدی در کنار یکدیگر قرار دارند. چنین ترکیبی، نقش مهمی در ایجاد مشروعیت و مقبولیت اجتماعی ایفا می‌کند. در نهایت، پیام رهبر انقلاب تلاش می‌کند این معنا را القا کند که رهبر شهید صرفا یک شخصیت تاریخی نیست که با فقدان او دوره‌ای به پایان رسیده باشد بلکه او به یک «نظام زنده» تبدیل شده است؛ نظامی که در نهادها، در گفتمان‌ها و در روحیه اجتماعی ادامه دارد. این نگاه، به مخاطب اطمینان می‌دهد که مسیر پیش رو، بر پایه‌ای مستحکم بنا شده است. بر این اساس، می‌توان گفت پیام رهبر انقلاب در این بخش، با ارتقای یک شخصیت به سطح یک منظومه، همزمان دو کارکرد را محقق می‌کند. از یک سو، فقدان را قابل تحمل و قابل تفسیر می‌سازد و از سوی دیگر، استمرار مسیر را به‌عنوان یک واقعیت ممکن و حتی ضروری تثبیت می‌کند.